1. الهى بحق خودت حضورم ده و از جمال آفتاب آفرينت نورم ده.
2. الهى راز دل را نهفتن دشوار است و گفتن دشوارتر
3. الهى يا من يعفو عن الكثير و يعطى الكثير بالقليل از زحمت كثرتم و ارهان و رحمت وحدتم ده .
4. الهى ساليانى مى پنداشتم كه ما حافظ دين توام استغفرك اللهم در اين ليلة الرغائب هزار و سيصد و نود فهميدم كه دين تو حافظ ما است احمدك اللهم .
5. الهى چگونه خاموش باشم كه دل در جوش و خروش است و چگونه سخن گويم كه خرد مدهوش و بيهوش است .
6. الهى ما همه بيچاره ايم و تنها تو چاره اى و ما همه هيچكاره ايم و تنها تو كاره اى .
7. الهى از پاى تا فرقم در نور تو غرقم يا نور السموات و الارض انعمت فرزد .
8. الهى شأن اين كلمه كوچك كه به اين علو و عظمت است پس يا على يا عظيم شأن متكلم اين همه كلمات شگفت لا تتناهى چون خواهد بود .
9. الهى واى بر من اگر دانشم رهزنم شود و كتابم حجابم .
10. الهى چون تو حاضرى چه جويم و چون تو ناظرى چه گويم .
11. الهى چگونه گويم نشناختمت كه شناختمت و چگونه گويم شناختمت كه نشناختمت
12. الهى چون عوامل طاحونه چشم بسته و تن خسته ام راه بسيار ميروم و مسافتى نمى پيماي م واى من اگر دستم نگيرى و رهاييم ندهى .
13. الهى خودت آگاهى كه درياى دلم را جزر و مد است يا باسط بسطم ده و يا قابض قبضم كن .
14. الهى دست با ادب دراز است و پاى بى ادب , يا باسط اليدين بالرحمة خذبيدى
15. الهى بسيار كسانى دعوى بندگى كرده اند و دم از ترك دنيا زده اند , تا دنيا بديشان روى آورد جز وى همه را پشت پا زده اند اين بنده در معرض امتحان در نيامده شرمسار است بحق خودت ثبت قلبى على دينك .
16. الهى ناتوانم و در راهم و گردنه هاى سخت در پيش است و رهزنهاى بسيار در كمين و بار گران بر دوش يا هادى اهدنا الصراط المستقيم صراط الذين انعمت عليهم غير المغضوب عليهم و لاالضالين .
17. الهى از روى آفتاب و ماه و ستارگان شرمنده ام از انس و جان شرمنده ام حتى از روى شيطان شرمنده ام كه همه در كار خود استوارند و اين سست عهد ناپايدار .
18. الهى رجب بگذشت و ما از خود نگذشتيم و تو از ما بگذر .
19. الهى عاقبت چه خواهد شد و با ابد چه بايد كرد .
20. الهى عارفان گويند عرفنى نفسك , اين جاهل گويد عرفنى نفسى .
21. الهى اهل ادب گويند به صدرم تصرفى بفرما اين بى ادب گويد بر بطنم دست تصرفى نه .
22. الهى در راهم , اگر درباره ام گويى لم نجدله عزما چه كنم .
23. الهى آزمودم تا شكم دائر است دل بائر است يا من يحيى الارض الميتة دل دائرم ده .
24. الهى همه گويند خدا كو حسن گويد جز خدا كو .
25. الهى همه از تو دوا خواهند و حسن از تو درد
26. الهى آن خواهم كه هيچ نخو .
27. الهى اگر تقسيم شود به من بيش از اين كه دادىنمى رسد فلك الحمد
28. الهى ما را ياراى ديدن خورشيد نيست، دم از ديدار خورشيد آفرين چون زنيم .
29. الهى همه گويند بده حسن گويد بگير .
30. الهى همه سر آسوده خواهند و حسن دل آسوده .
31. الهى همه آرامش خواهند و حسن بى تابى , همه سامان خواهند و حسن بى سامانى .
32. الهى چون در تو مى نگرم از آنچه خوانده ام شرم دارم .
33. الهى از من برهان توحيد خواهند و من دليل تكثير .
34. الهى از من پرسند توحيد يعنى چه حسن گويد تكثير يعنى چه .
35. الهى از نماز و روزه ام توبه كردم بحق اهل نماز و روزه ات توبه اين نا اهل را بپذير .
36. الهى بفضلت سينه بى كينه ام دادى بجودت شرح صدرم عطا بفرما .
37. الهى عقل گويد الحذر الحذر , عشق گويد العجل العجل آن گويد دور باش و اين گويد زود باش .
38. الهى ضعيف ظلوم و جهول كجا و واحد قهار كجا .
39. الهى آنكه از خوردن و خوابيدن شرم دارد از ديگر امور چه گويد .
40. الهى اگر چه درويشم ولى داراتر از من كيست كه تو دارايى منى .
41. الهى در ذات خودم متحيرم تا چه رسد در ذات تو .
42. الهى نعمت سكوتم را ببركت والله يضاعف لمن يشاء اضعاف مضاعفه گردان .
43. الهى بلطفت دنيا را از من گرفته اى بكرمت آخرت را هم از من بگير .
44. الهى روزم را چو شبم روحانى گردان و شبم را چون روز نورانى .
45. الهى حسنم كردى احسنم گردان
46. الهى دندان دادى نان دادى , جان دادى جانان بده .
47. الهى همه از گناه توبه مى كنند و حسن را از خودش توبه ده .
48. الهى گويند كه بعد سوز و گداز آورد حسن را بقرب سوز و گداز ده .
49. الهى خودت گفته اى و لا تيأسوا من روح الله نا اميد چون باشم .
50. الهى انگشترى سليمانيم دادى انگشت سليمانيم ده .
51. الهى سرمايه كسبم دادى توفيق كسبم بده .
52. الهى اگر ستارالعيوب نبودى ما از رسوايى چه مى كرديم .
53. الهى من الله الله گويم اگر چه لا اله الا الله گويم .
54. الهى مست تو را حد نيست ولى ديوانه ات سنگ بسيار خورد , حسن مست و ديوانه تست .
55. الهى ذوق مناجات كجا و شوق كرامات كجا .
56. الهى علمم موجب ازدياد جهلم شد يا علم محض و نور مطلق بر جهلم بيفزا .
57. الهى اثر و صنع توام چگونه بخود نبالم .
58. الهى دو وجود ندارد و يكى را قرب و بعد نبود .
59. الهى هر چه بيشتر دانستم نادانتر شدم بر نادانيم بيفزا .
60. الهى تا كعبه وصلت فرسنگها است و در راه خرسنگها و اين لنگ بمراتب كمتر از خرچنگ است , خرچنگ را گفتند بكجا مى روى گفت به چين و ماچين گفتند با اين راه و روش تو .
61. الهى دل داده معنى را از لفظ چه خبر و شيفته مسمى را از اسم چه اثر
62. الهى كلمات و كلامت كه اين قدر شيرين و دلنشين اند خودت چونى .
63. الهى اگر از من پرسند كيستى چه گويم .
64. الهى هر چه بيشتر فكر مى كنم دورتر ميشوم .
65. الهى گروهى كوكو گويند و حسن هو هو .
66. الهى از گفتن يا شرم دارم .
67. الهى داغ دل را نه زبان تواند تقرير كند و نه قلم يارد بتحرير رساند الحمد الله كه دلدار به ناگفته و نانوشته آگاه است .
68. الهى محبت والد به ولد بيش از محبت ولد به والد است كه آن اثر است نه اين با اينكه اعداد است و عليت و معلوليت نيست پس محبت تو بما كه علت مطلق مايى تا چه اندازه است , يحبهم كجا و يحبونهم كجا ؟ !
69. الهى از كودكان چيزها آموختم لا جرم كودكى پيش گرفتم .
70. الهى چون است كه چشيده ها خاموشند و نچشيده ها در خروشند .
71. الهى از شياطين جن بريدن دشوار نيست با شياطين انس چه بايد كرد .
72. الهى خوشدلم كه از درد مينالم كه هر دردى را درمانى نهاده اى .
73. الهى در خلقت شيطان كه آن همه فوائد و مصالح است در خلقت ملك چه ها باشد .
74. الهى ديده را به تماشاى جمال خيره كرده اى , دل را بديدار ذوالجمال خيره گردان .
75. الهى خنك آن كس كه وقف تو شد .
76. الهى شكرت كه دولت صبرم دادى تا به ملكت فقرم رساندى .
77. الهى شكرت كه از تقليد رستم و به تحقيق پيوستم .
78. الهى تو پاك آفريده اى ما آلوده كرده ايم .
79. الهى پيشانى بر خاك نهادن آسان است دل از خاك برداشتن دشوار است .
80. الهى ظاهر ما اگر عنوان باطن ما نباشد در يوم تبلى السرائر چه كنيم .
81. الهى شكرت كه كور بينا و كر شنوا و گنگ گويايم .
82. الهى درويشان بى سر و پايت در كنج خلوت بى رنج پا , سير آفاق عوالم كنند كه دولتمندانرا گامى ميسر نيست .
83. الهى اگر گلم و يا خارم از آن بوستان يارم .
84. الهى انسان ضعيف كجا و حمل قول ثقيل كجا .
85. الهى چگونه دعوى بندگى كنم كه پرندگان از من ميرمند و ددان رامم نيستند .
86. الهى گرگ و پلنگ را رام توان كرد با نفس سركش چه بايد كرد .
87. الهى چگونه ما را مراقبت نباشد كه تو رقيبى و چگونه ما را محاسبت نبود كه تو حسيبى .
88. الهى حلقه گوش من آن در ثمين انا بدك اللازم يا موسى .
89. الهى علف هرزه را وجين توان كرد ولى از تخم جرجير , خس نرويد .
90. الهى حق محمد و آل محمد بر ما عظيم است اللهم صلى على محمد و آل محمد .
91. الهى نهر بحر نگردد ولى تواند باوى پيوندد و جدولى از او گردد .
92. الهى چون در تو مينگرم رعشه بر من مستولى ميشود پشه با باد صرصر چه كند .
93. الهى ديده از ديدار جمال لذت ميبرد و دل از لقاى ذوالجمال .
94. الهى انسان را قسطاس مستقيم آفريده اى افسوس كه ما در ميزان طغيان كرده ايم .
95. الهى شكرت كه نعمت صفت ايثارم بخشيدى .
96. الهى نعمت ارشادم عطا فرموده اى توفيق شكر آن را هم مرحمت بفرما .
97. الهى عروج بملكوت بدون خروج از ناسوت چگونه ميسر گردد يا من بيده ملكوت كل شىء خذ بيدى .
98. الهى بسوى تو آمدم بحق خودت مرا بمن برمگردان .
99. الهى اگر بخواهم شرمسارم و اگر نخواهم گرفتار .
100. الهى ظاهر كه اين قدر زيبا است باطن چگونه است .
101. الهى آخر خودت را در حق ما اول بفرما كه آخرين شفاعت را ارحم الراحمين فرمايد
102. الهى دل بى حضور چشم بى نور است نه اين صورت ببيند و نه آن معنى .
103. الهى فرزانه تر از ديوانه تو كيست .
104. الهى دولت فقرم را مزيد گردان .
105. الهى شكرت كه فهميدم كه نفهميدم .
106. الهى گريه زبان كودك بى زبان است آنچه خواهد از گريه تحصيل مى كند از كودكى راه كسب را به ما ياد داده اى قابل كاهل را از كامل مكمل چه حاصل .
107. الهى شك شوريده جهانى را ميشوراند اين شوخ ديده را شوريده تر كن .
108. نبودم و خلعت وجودم بخشيده اى , خفته بودم و نعمت بيداريم عطا كرده اى , تشنه بودم و آب حيوتم چشانده اى , متفرق بودم و كسوت جمعم پوشانده اى , توفيق دوام در صلوتم هم مرحمت بفرما كه الذين هم على صلوتهم دائمون كامروا هستند .
109. الهى مصلى كجا و مناجى كجا تالى فرقان كجا و اهل قرآن كجا خنك آنكه مصلى مناجى و تالى فرقان و اهل قرآنست .
110. الهى عارف را با عرفان چه كار عاشق و معشوق بيند نه اين و آن .
111. الهى توانگرانرا به ديدن خانه خوانده اى و درويشان را به ديدار خداوند خانه آنان سنگ و گل دارند و اينان جان و دل آنان سرگرم در صورتند و اينان محو در معنى خوشا آن توانگرى كه درويش است
112. الهى قيس عامرى را ليلى مجنون كرد و حسن آملى را ليلى آفرين اين آفريننده ديد و آن آفريننده را در آفريده بر ديوانگان آفرين .
113. الهى اگر عنايت تو دست ما را نگيرد از چهل ها و چله ما هم كارى برنيايد .
114. الهى خوشا آنانكه همواره بر بساط قرب توآرميده اند .
115. الهى شكرت كه اين تهيدست پا بست تو شد .
116. الهى خوشا آنانكه در جوانى شكسته شدند كه پيرى خود شكستگى است .
117. الهى عقل و عشق سنگ و شيشه اند عاشقان از عاقلان نالند نه از جاهلان .
118. الهى اگر كودكان سرگرم بازيند مگر كلانسالان در چه كارند .
119. الهى شكرت كه پير ناشده استغفار كردم كه استغفار پير استهزاء را ماند .
120. الهى آنكه ترا دوست دارد چگونه با خلقت مهربان نيست .